

A painting depicting Jesus and a woman at a well. Jesus, on the left, is seated and wearing a white robe with a sash, gesturing with his right hand. The woman, on the right, is seated and wearing a white headscarf and a dark dress, holding a large earthenware jar. The background shows a rocky landscape with a palm tree and mountains under a hazy sky.

Jesus and the Woman at the Well

part one

- John 4:1 Now Jesus learned that the Pharisees had heard that he was gaining and baptizing more disciples than John – ² although in fact it was not Jesus who baptized, but his disciples. ³ So he left Judea and went back once more to Galilee.
- ⁴ Now he had to go through Samaria. ⁵ So he came to a town in Samaria called Sychar, near the plot of ground Jacob had given to his son Joseph.
- وقتی عیسی فهمید فریسیان شنیده‌اند که او بیشتر از یحیی شاگرد جذب می‌کند و تعمید می‌دهد،
- البته خود عیسی تعمید نمی‌داد و این کار را شاگردانش انجام می‌دادند،
- از یهودیه بیرون رفت و دوباره راهی جلیل شد.
- و برای رسیدن به آنجا لازم بود از سرزمین سامره عبور کند.
- اگر بخواهی، می‌توانم همین متن را حتی ساده‌تر، ادبی‌تر، یا نزدیک‌تر به ترجمه‌های رسمی فارسی هم تنظیم کنم.

- **4** 耶穌^[a]知道法利賽人聽見他收門徒和施洗比約翰還多，
（**2** 其實不是耶穌親自施洗，而是他的門徒施洗，）**3** 他就離開猶太，又回加利利去。**4** 他必須經過撒瑪利亞，**5** 於是到了撒瑪利亞的一座城，名叫敘加，靠近雅各給他兒子約瑟的那塊地。**6** 雅各井就在那裏；耶穌因旅途疲乏，坐在井旁。那時約是正午。
- **7** 有一個撒瑪利亞婦人來打水。耶穌對她說：「請給我水喝。」**8** 因為那時門徒進城買食物去了。**9** 撒瑪利亞婦人對他說：「你是猶太人，怎麼向我一個撒瑪利亞女人要水喝呢？」因為猶太人和撒瑪利亞人沒有來往。

- ⁶ Jacob's well was there, and Jesus, tired as he was from the journey, sat down by the well. It was about noon.
- ⁷ When a Samaritan woman came to draw water, Jesus said to her, "Will you give me a drink?" ⁸ (His disciples had gone into the town to buy food.)
- ⁹ The Samaritan woman said to him, "You are a Jew and I am a Samaritan woman. How can you ask me for a drink?" (For Jews do not associate with Samaritans.^[a])
- چاه یعقوب در آنجا بود. عیسی که از راه رفتن خسته شده بود، کنار چاه نشست؛ حدود ظهر بود.
- زنی از سامره برای آب کشیدن آمد. عیسی به او گفت: «لطفاً کمی آب به من بده.»
- چون شاگردانش برای خرید غذا به شهر رفته بودند.
- آن زن سامری گفت: «چطور تو که یک یهودی هستی، از من، یک زن سامری، آب می‌خواهی؟» زیرا یهودیان معمولاً با سامریان رفت‌وآمد نمی‌کردند.
- اگر بخواهی، می‌توانم این بخش را ادبی‌تر، رسمی‌تر، یا حتی ساده‌تر هم بازنویسی کنم.

- ¹⁰ Jesus answered her, “If you knew the gift of God and who it is that asks you for a drink, you would have asked him and he would have given you living water.”
- ¹¹ “Sir,” the woman said, “you have nothing to draw with and the well is deep. Where can you get this living water? ¹² Are you greater than our father Jacob, who gave us the well and drank from it himself, as did also his sons and his livestock?”

درخواست می‌کردی و من به تو آبی زنده می‌دادم.»

- زن گفت: «آقا، تو هیچ ظرفی برای آب کشیدن نداری و چاه هم عمیق است. پس این آب زنده را از کجا می‌آوری؟»
- «مگر تو بزرگتر از پدر ما یعقوب هستی که این چاه را به ما داد و خودش و پسرانش و گله‌هایش از آن نوشید؟»
- اگر بخواهی، می‌توانم ادامه این گفتگو را هم ب

- **10** 耶穌回答她說：「你若知道 神的恩賜，和對你說『請給我水喝』的是誰，你早就會求他，他也早就會給了你活水。」 **11** 婦人對耶穌說：「先生，你沒有打水的器具，井又深，哪裏去取活水呢？ **12** 我們的祖宗雅各把這井留給我們，他自己和兒女以及牲畜都喝這井裏的水，難道你比他還大嗎？」

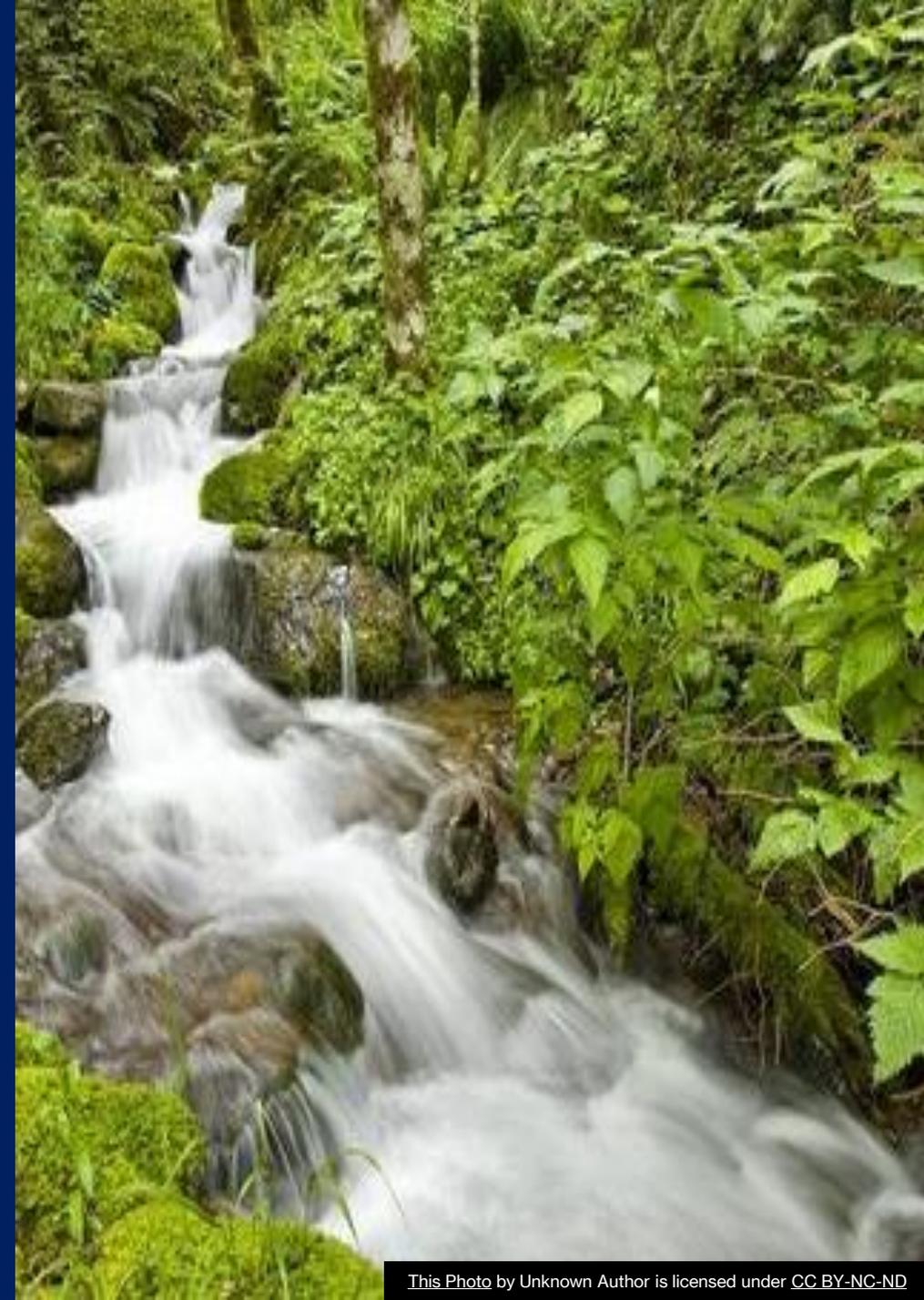
- ¹³ Jesus answered, “Everyone who drinks this water will be thirsty again, ¹⁴ but whoever drinks the water I give them will never thirst. Indeed, the water I give them will become in them a spring of water welling up to eternal life.”
- ¹⁵ The woman said to him, “Sir, give me this water so that I won’t get thirsty and have to keep coming here to draw water.”
- عیسی پاسخ داد: «هر کس از این آب بنوشد، دوباره تشنه می‌شود.»
- اما کسی که از آبی که من می‌دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد؛ بلکه آن آب در درون او چشمه‌ای می‌شود که تا حیات جاودان جاری است.»
- زن گفت: «آقا، از این آب به من بده تا دیگر تشنه نشوم و مجبور نباشم برای آب کشیدن به اینجا بیایم.»
- اگر دوست داری، می‌توانم آیات بعدی را هم به همین سبک ترجمه کنم.»

- 13 耶穌回答，對她說：「凡喝這水的，還要再渴； 14 誰喝我所賜的水，就永遠不渴。我所賜的水要在他裏面成為泉源，直湧到永生。」 15 婦人對他說：「先生，請把這水賜給我，使我不渴，也不用到這裏來打水。」

- Brant: “Anthropologists describe honour as public recognition of social standing that is ascribed by one’s inherited status or acquired through competition. Shame comes when one’s actions cross the boundaries of one’s social status or when challenges to one’s honour are met with resignation or defeat”



- Revelation 7
- And he said, “These are they who have come out of the great tribulation; they have washed their robes and made them white in the blood of the Lamb. ¹⁵ Therefore,
- “they are before the throne of God and serve him day and night in his temple; and he who sits on the throne will shelter them with his presence. ¹⁶ ‘Never again will they hunger; never again will they thirst. The sun will not beat down on them,’^[a] nor any scorching heat. ¹⁷ For the Lamb at the centre of the throne will be their shepherd; ‘he will lead them to springs of living water.’^[b] ‘And God will wipe away every tear from their eyes.’^[c]”





- 14 我對他說：「我主啊，你是知道的。」他向我說：「這些人是從大患難中出來的，他們曾用羔羊的血把衣裳洗得潔白。
- 15 所以，他們在 神寶座前，
晝夜在他殿中事奉他；
那坐在寶座上的要用帳幕覆庇他們。
16 他們不再飢，不再渴；
太陽必不傷害他們，
任何炎熱也不傷害他們，
17 因為寶座中的羔羊必牧養他們，
領他們到生命水的泉源；
神必擦去他們一切的眼淚。」

• «.ه شسته و سفید کرده‌اند»

• به همین دلیل، در برابر تخت خدا ایستاده‌اند و روز و شب در معبد او « خدمت می‌کنند؛ و آن‌که بر تخت نشسته است، آنان را در پناه خود جای خواهد داد.»

• دیگر هرگز گرسنه یا تشنه نخواهند شد؛ آفتاب و هیچ گرمای سوزانی بر «. آنان نخواهد تابید»

• زیرا برّهای که در میان تخت است، شبانِ آنان خواهد بود و آنان را به « چشمه‌های آبِ حیات راهنمایی می‌کند؛ و خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد.»